

پیش بینی دلزدگی زناشویی براساس تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی در معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان

Prediction of Marital Burnout based on Cognitive Distortions and Communication Patterns in Married Women Teachers of Elementary School in Isfahan

Masoumeh Esmaili

Associate Professor, Allameh Tabatabaei University Counseling
Department, Tehran, Iran

Nafiseh Derakhshan (Corresponding author)

M. A. of Family Counseling, Allameh Tabatabaei University,
Tehran, Iran.

Email: ndrakhshan7@gmail.com

Abdolbaset Mahmoudpour

Ph. D. student in counseling, Allameh Tabatabaei University,
Tehran, Iran

Farkhondeh Khosravani

M. A. of Family Counseling, Allameh Tabatabaei University,
Tehran, Iran

Fatemeh Ghasemi Niai

Ph. D. student in counseling, Allameh Tabatabaei University,
Tehran, Iran

Abstract

Aim: Marital Burnout is one of the effective factors in divorce. Since divorce can have negative effects on family members and society as a whole, this study investigated the relationship between marital Burnout based on cognitive distortions and communication patterns. **Methods:** Research method was descriptive and from correlation type. The statistical population were all married women teachers of elementary school in Isfahan in 2017 that by using random cluster sampling 335 person were selected. To collect information was used from Couple Burnout Scale (CBS), Cognitive Distortions and Communication Patterns Questionnaire (CPQ). The data analyzed through Pearson correlation, stepwise multiple regression and SPSS-22 software. **Results:** The correlation results showed there were a significant negative correlation between marital burnout with communication pattern of mutual constructive and there were a significant positive correlation between marital burnout with cognitive distortions and communication pattern of demand / withdrawn ($P < 0. 01$), but there was not significant negative correlation between marital burnout with communication pattern of mutual avoidance ($p > 0. 05$). Also regression results showed that (apart from communication pattern of mutual avoidance) communication patterns of mutual constructive and demand-withdrawn and also cognitive distortions explain together % 33/1 of variance marital burnout. **Conclusion:** According to the findings of this study, it can be concluded that cognitive distortions and communication patterns can predict marital disturbance and can be used to educate and intervene in improving cognitive distortions and communication patterns as an effective way to reduce marital maladjustment to counselors and counselors in related affairs. Suggested to family.

Keywords: marital burnout, cognitive distortions, communication patterns, teachers, married women.

معصومه اسمعیلی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

نفیسه درخشان (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

Email: ndrakhshan7@gmail.com

عبدالباسط محمودپور

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

فرخنده خسروانی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

فاطمه قاسمی نیایی

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

هدف: دلزدگی زناشویی یکی از عوامل موثر در طلاق می‌باشد. از آنجایی که طلاق می‌تواند بر افراد خانواده و به تبع جامعه تأثیرات منفی بگذارد، در این پژوهش به بررسی رابطه دلزدگی زناشویی براساس تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی پرداخته شد. **روش:** روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶ بودند که ۳۳۵ نفر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های دلزدگی زناشویی (CBS)، تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی (CPQ) استفاده شد. داده‌ها از طریق همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام و نرم‌افزار SPSS-22 تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج همبستگی نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین دلزدگی زناشویی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل و رابطه مثبت و معناداری بین دلزدگی زناشویی با تحریف‌های شناختی و الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری وجود دارد ($P < 0/01$)؛ اما رابطه معناداری بین دلزدگی زناشویی با الگوی ارتباطی اجتناب متقابل وجود ندارد ($p > 0/05$). همچنین نتایج رگرسیون هم‌زمان نشان داد که (به‌غیر از الگوی اجتناب متقابل) الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و توقع/کناره‌گیری و همچنین تحریف‌های شناختی با هم ۳۳/۱٪ از واریانس دلزدگی زناشویی را تبیین می‌کنند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی توان پیش‌بینی دلزدگی زناشویی را دارند و می‌توان آموزش و مداخله در بهبود تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی را به‌عنوان یک روش مؤثر در کاهش دلزدگی زناشویی به مشاورین و مسولین در امور مرتبط با خانواده پیشنهاد داد.

واژه‌های کلیدی: دلزدگی زناشویی، تحریف‌های شناختی، الگوهای ارتباطی، معلمان، زنان متأهل.

مقدمه

رابطه زناشویی یکی از مهم‌ترین و پایدارترین روابط بین‌فردی است که زن و شوهر باهدف رسیدن به تعلق خاطر و آرامش ازدواج می‌کنند؛ دربرخی از موارد زوجین تعلق خاطر و آرامش مورد انتظار خود را از ازدواج به دست نمی‌آورند و دچار دلزدگی زناشویی^۱ می‌شوند (ترودل و گلدفورب، ۲۰۱۵). دلزدگی زناشویی هنگامی بروز می‌کند که زوج‌ها متوجه می‌شوند، علی‌رغم تمام تلاش‌هایشان، رابطه زناشویی آن‌ها به زندگی‌شان هیچ معنا و مفهوم خاصی نداده است (زارعی، صادقی فرد، عادل و طیبی، ۱۳۹۲). دلزدگی به معنای از پا افتادن جسمی، روانی، عاطفی و ناشی از عدم تناسب بین توقعات و واقعیات است (چوافلی، مسلاج، ۲۰۱۷). پاینز (۲۰۱۳) سه خصیصه را که بیشترین تأثیر را بر دلزدگی دارند از طریق یک پژوهش به‌ترتیب، بار مسئولیت اضافی، مطالبات متناقض و تعهدات خانوادگی مشخص کرد. گزارش شده است که بین زنان و مردان در دلزدگی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد و زنان بیشتر از مردان دچار دلزدگی می‌شوند (پاموک و دارموس، ۲۰۱۵).

دلزدگی زناشویی به واسطه عوامل و مولفه‌های گوناگونی ایجاد می‌شود که یکی از این عوامل تحریفات شناختی زوجین در ارتباط با یکدیگر است. تحریف‌های شناختی، باورهای اغراق‌آمیز، بسیار خشک، غیرعقلانی و مطلق‌نگر نسبت به امور جهان است (هفرکام، ۲۰۱۸). براساس پژوهش‌های انجام‌شده تحریفات شناختی می‌تواند منجر به افزایش تعارضات و دلزدگی زناشویی و کاهش رضایت زناشویی شود (آیدین، ۲۰۱۵؛ عباس‌زاده ملکیان و اصغری، ۱۳۹۴؛ رحمانی، امینی و سیرتی ثابت، ۱۳۹۳؛ ابراهیمی، زارع پور و آسوده، ۱۳۹۰). برخی از مطالعات انجام‌شده نشان داده‌اند که تحریف‌های شناختی با پاسخ‌های مخرب نظیر بدبینی در روابط بین‌فردی و تهدید به جدایی و طلاق ارتباط مستقیمی دارند لای، زوزنسکی، تنگ، هو، سو و لای (۲۰۱۴؛ هال، ۲۰۰۶). ردپای تحریف‌های شناختی حتی به بررسی‌های ژنتیکی و فیزیولوژیک نیز کشیده شده به‌گونه‌ای که بک (۲۰۰۸) با این باور که عوامل شناختی در ارتباط با ژن و عصب می‌توانند سازش یافتگی‌های زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند.

دیگر عامل تاثیرگذار در دلزدگی زناشویی در این پژوهش الگوهای ارتباطی است، دلزدگی زناشویی و ارتباط زناشویی ناشاد اغلب نتیجه الگوهای ارتباطی منفی است. ارتباطات در میان اعضای خانواده همواره به‌عنوان جنبه‌ای از روابط اصلی بین‌فردی برای تحقق بخشیدن به پویایی روابط خانوادگی در نظر گرفته می‌شود (زرنقاش و همکاران، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، یکی از راه‌های نگرستن به ساختار خانواده توجه به الگوهای ارتباطی زوج‌ها^۲، یعنی کانال ارتباطی است که از طریق آن زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند (ترنهلیم و جنسن، ۲۰۰۸).

ایفیفی، مک میلان، کوکس، اسمانسون، استین و سارین (۲۰۰۹) الگوهای ارتباطی بین زوج‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کنند: الگوی سازنده متقابل: مهم‌ترین ویژگی این الگو، این است که الگوی ارتباطی زوج‌ها از نوع برنده-برنده است. در این الگو زوج‌ها به‌راحتی در مورد مسائل و تعارضات خود گفتگو می‌کنند و به دنبال حل آن برمی‌آیند و از واکنش‌های غیرمنطقی و پرخاشگری خودداری می‌کنند. الگوی اجتناب متقابل: در این الگو تعارض بین زوجین شدید

1. marital burnout

2. couples communication patterns

و به‌گونه‌ای که بحث وجدل تبدیل به یک الگوی دائمی و مخرب در این خانواده‌ها شده است. در این الگو زوجها از برقراری ارتباط با یکدیگر خودداری می‌کنند و زندگی این زوجها به شکل موازی با یکدیگر بوده و ارتباط آن‌ها در حداقل میزان ممکن یا اصلاً وجود ندارد. الگوی توقع/کناره‌گیر: این الگو شامل دو قسمت الف) توقع مرد/کناره‌گیر زن، ب) توقع زن/کناره‌گیری مرد است. این الگو به شکل یک چرخه بوده که با افزایش یکی، دیگری افزایش یافته و تشدید این الگو منجر به مشکلات دائم زناشویی می‌شود.

الگوهای ارتباطی می‌توانند میزان رضایت زناشویی را تعیین نمایند تا جایی که بیش از ۹۰ درصد زوجها آشفته، این مشکلات را به‌عنوان مسئله اصلی خود می‌دانند (ثناگویی، جان بزرگی و مهدویان، ۱۳۹۰). در حمایت از این موضوع بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند ارتباط زناشویی کارآمد پیش‌بینی کننده قوی کیفیت زناشویی (لدبتر، ۲۰۰۹) و در مقابل ارتباط زناشویی ناکارآمد سرچشمه عمده نارضایتی است (مانینگ و کوهن، ۲۰۱۲). بر همین اساس می‌توان گفت مشکلات ارتباطی شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست‌خورده هستند (گورمان، ۲۰۰۸؛ یالسن و کاراهان، ۲۰۰۹).

براساس آمارهای گزارش‌شده روند طلاق روبه افزایش است به این صورت که هر ۳ دقیقه و ۴۵ ثانیه یک طلاق در کشور ثبت می‌شود. مقایسه آماری ازدواج و طلاق نشان می‌دهد که به‌طور میانگین از هر چهار الی پنج ازدواج یک مورد به طلاق ختم شده است و این آمار دلیلی بر جلوگیری و مقابله با این بحران اجتماعی است (افروز، فرزاد، محبی و قاسم زاده، ۱۳۹۵). افزایش طلاق نشان از ناسازگاری و دلزدگی زناشویی در میان زوجین است (صفی پوریان، امیرقدمی، خاکپور، سودانی و مهرآفرید، ۱۳۹۵). بنابه شناسایی عوامل مؤثر در افزایش دلزدگی زناشویی به‌منظور غنی‌تر کردن زندگی زناشویی و تلاش در جهت کاهش طلاق با هر اپیدئولوژی و هر مکتبی در درجه اول اهمیت قرار دارد (طهرانی، حیدری و جعفری، ۱۳۹۲). از آنجایی که طلاق می‌تواند بر رشد تمامی اعضای خانواده و به تبع بر جامعه تأثیرات مخربی برجای بگذارد شناخت عواملی که می‌توانند در ارتباط با طلاق و علل آن قرار بگیرد حایز اهمیت است. از این‌رو محقق در این پژوهش درصدد پیش‌بینی دلزدگی زناشویی براساس تحریفات شناختی و الگوهای ارتباطی معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان است.

روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند. در مطالعه حاضر شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به کار گرفته شد. بدین‌صورت که ابتدا پژوهشگر با مراجعه به اداره آموزش و پرورش شهر اصفهان و گرفتن مجوز اجرای پژوهش، آمار معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی اصفهان را به دست آورده و سپس بر اساس جدول کرجسی و مورگان نمونه‌ای به تعداد ۳۳۵ نفر انتخاب گردید، جهت نمونه‌گیری به روش تصادفی خوشه‌ای ابتدا از ۶ ناحیه شهر اصفهان به تصادف ناحیه‌های ۳ و ۴ و ۵ انتخاب شدند سپس در هر ناحیه به شیوه تصادفی از بین مدارس ابتدایی دخترانه ۱۱ مدرسه انتخاب گردید و در هر مدرسه در بین معلمان مقطع ابتدایی که متأهل بودند و شرایط ورود به پژوهش را دارا بودند ۱۰ معلم به تصادف انتخاب شد ضمن اینکه مدرسه حکمت نیا ۱۳ نفر و مدرسه حورا ۱۲ نفر به دلیل بالاتر بودن تعداد معلمان

انتخاب گردید و جمعا تعداد ۳۳۵ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. پس از تعیین و انتخاب اعضای نمونه سه پرسشنامه دزدگی زناشویی، تحریفات شناختی و الگوهای ارتباطی به آنها داده شد و بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها در مرحله تجزیه و تحلیل به ارتباط بین مولفه‌های پژوهش دست پیدا شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در بخش آمار توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و در بخش استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان با استفاده از نرم افزار SPSS22 استفاده شد. پیش فرض محققان در این پژوهش براین اساس بود که بنا به رویکرد شناختی درخصوص تاثیر افکار بر احساسات و رفتار و همچنین تحقیقات پیشین در زمینه متغیرهای مورد پژوهش تلاش شد که دزدگی زناشویی بر اساس تحریفات شناختی و الگوهای ارتباطی پیش بینی شود، لازم به توضیح است که به علت خطای پیش فرض خطی بهتر است جهت تکمیل این یافته‌ها با تغییر در تحریفات شناختی و الگوهای ارتباطی با رویکردهای مشاوره‌ای تاثیر آن بر دزدگی زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. شرایط ورود به این پژوهش متاهل بودن معلمین زن، داشتن وقت و انگیزه کافی برای شرکت در پژوهش و نداشتن بیماری خاص جسمانی و روانی بود. معیارهای اخلاقی به کار رفته در این پژوهش رعایت اصل رازداری، رضایت آگاهانه، دادن حق کناره‌گیری از پژوهش به شرکت کنندگان و در میان گذاشتن اهداف پژوهش با شرکت کنندگان و... است. اصول اخلاقی به کار رفته در این پژوهش منطبق بر اصول پژوهش در روانشناسی و مشاوره است که توسط اساتید مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی نیز مورد تایید قرار گرفت.

ابزار

مقیاس دزدگی زناشویی (CBS): این پرسشنامه توسط پابنیز (۱۹۹۶) ساخته شده و شامل ۲۱ سوال است که نشان دهنده نشانگان دزدی است. این پرسشنامه دارای سه مولفه خستگی عاطفی، خستگی روانی و خستگی جسمانی است. در این مقیاس نمرات بالاتر نشان دهنده دزدی بیشتر است و حد بالای نمره ۱۴۷ و حد پایین نمره ۲۱ می‌باشد. برای تفسیر نمره‌ها باید آن‌ها را تبدیل به درجه کرد که این عمل از طریق تقسیم نمودن نمره‌های حاصل شده از پرسشنامه بر تعداد سوالات به دست می‌آید. در تفسیر نمره‌ها درجه بیشتر از ۵ نشانگر لزوم فوری، درجه ۵ نشاندهنده وجود بحران، درجه ۴ نمایانگر حالت دزدگی، درجه ۳ نشان دهنده خطر دزدگی و درجه ۲ و کمتر از آن نیز نشان دهنده وجود رابطه خوب است. ضریب پایایی این پرسشنامه برای یک دوره یک ماهه ۰/۸۹، برای یک دوره دوماهه ۰/۷۶ و برای یک دوره چهارماهه ۰/۶۶ بود و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ گزارش شده است، ضریب آلفای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۶ و ۰/۷۴ است. (نقل از کیانی، اسدی، قاضی ولویی و زوار، ۱۳۹۵). این پرسشنامه با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدفمندی روایی همگرایی معنی داری داشت (پابنیز، ۲۰۱۳). همچنین نمرات این پرسشنامه با رضایت زناشویی انریچ همبستگی معنی دار منفی داشت. نویدی (۱۳۸۴) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در یک نمونه ۲۴۰ نفری ۰/۸۶ گزارش داده است (نقل از کیانی، اسدی، قاضی ولویی و زوار، ۱۳۹۵). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه تحریف‌های شناختی: این پرسشنامه شامل ۲۰ عبارت است که به سنجش تحریف‌های شناختی مطرح شده توسط الیس (۱۹۹۸) با هدف دستیابی به ابزاری آسان برای آگاهی از تحریف‌های شناختی استفاده شده است و از آنجایی که بسیاری از مشکلات هیجانی نامناسب از سوی تفکرات نامعقول است آگاهی از این تفکرات برای رهایی از بخش عظیمی از مشکلات ضرورت دارد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در طیف لیکرتی از کاملاً موافقم (۱ امتیاز) تا کاملاً مخالفم (۵ امتیاز) است و براساس نمره‌گذاری پرسشنامه، هر فردی که نمره بیشتری را کسب کند از تفکر مناسب‌تری برخوردار است و هرکس که نمره کمتری به دست آورد از تحریف‌های بیشتری برخوردار است. دامنه نمرات کل پرسشنامه از ۲۰ تا ۱۰۰ است. پایایی خارجی آن از طریق همسانی درونی توسط آلفای کرونباخ و همچنین از طریق آزمون مجدد پس از دو هفته برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۶۷ و $R=0/74$ و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۶ و ۰/۷۴ است و روایی آن از طریق همبستگی با خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۴۵ و ۰/۵۳ و ۰/۵۳ بدست آمده است که همگی در سطح ۰/۹۹ اطمینان معنا دار هستند، ضمن اینکه روایی همگرا این ابزار با مقیاس تحریف‌های شناختی بک، بارو، بالتر، اساتیر و وارمن ۰/۸۹ برآورد شده است (نقل از انصاری شهیدی و زمانی، ۱۳۹۵). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر برابر با ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ): کریستنس و سالووی در سال ۱۹۸۴ این پرسشنامه را به منظور بررسی الگوهای ارتباطی متقابل زوج‌ها طراحی نمودند. این پرسش‌نامه ۳۵ سؤال دارد و در یک مقیاس نه درجه‌ای لیکرت از اصلاً امکان ندارد نمره (۱) تا خیلی امکان دارد نمره (۹) درجه‌بندی شده است. این پرسش‌نامه رفتارهای همسران را در طول سه مرحله از تعارض زناشویی شامل: الف- هنگامی که مشکلی در روابط زوج‌ها به وجود می‌آید (۴ سؤال) ب- مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود (۱۸ سؤال) ج- بعد از بحث درباره مشکل ارتباطی، (۱۳ سؤال) می‌سنجد. پرسش‌نامه دارای سه زیرمقیاس ارتباط سازنده متقابل، اجتناب متقابل و توقع - کناره‌گیری است. در ایران عبادت پور در سال ۱۳۷۹ پرسشنامه فوق را هنجاریابی کرده و به منظور برآورد روایی پرسش‌نامه، همبستگی این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه رضایت زناشویی را به دست آورده که نتایج نشان می‌دهد همه زیرمقیاس‌های پرسشنامه با رضایت زناشویی انریچ همبستگی دارد. ضریب آلفای کرونباخ را برای الگوی ارتباط سازنده متقابل ۰/۷۰. اجتناب متقابل ۰/۷۱ و توقع - کناره‌گیری ۰/۶۶ برآورد نموده است (نقل از نریمانی، پوراسماعیلی، میکائیلی و حاجلو، ۱۳۹۴). در پژوهش بهرامی، نظری و زهراکار (۱۳۹۳) پایایی این پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ برای ابعاد ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتنابی متقابل و ارتباط توقع - کناره‌گیر به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۶۲ و ۰/۸۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های فوق به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۹ و ۰/۸۴ به دست آمد.

یافته‌ها

پژوهش حاضر در پی پیش‌بینی دزدگی زناشویی براساس تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی در بین معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان بود که با استفاده از پرسشنامه‌های دزدگی زناشویی، تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی داده‌های پژوهش به دست آمد. نمونه پژوهش حاضر متشکل از ۳۳۵ معلم زن متأهل مقطع ابتدایی بود که

1. Communication Patterns Questionnaire

اطلاعات جمعیت شناختی آنها بدین شرح است: ۶۹/۳ درصد در دامنه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشتند و ۳۰/۷ درصد در دامنه سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند. از نظر تعداد فرزند، ۲۸/۷ درصد دارای یک فرزند، ۲۸/۷ درصد دارای دو فرزند، ۱۶ درصد دارای سه و بیشتر و ۲۶/۷ درصد بدون فرزند بودند. سایر آمار اطلاعات توصیفی و استنباطی متغیرهای پژوهش به شرح زیر است:

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
دلزدگی زناشویی	۷۸/۷	۸/۹۱	۶۲	۱۰۲
الگوی ارتباطی سازنده متقابل	۳۵/۱۴	۵/۵۴	۲۵	۴۴
الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری	۶۹/۰۴	۹/۰۱	۲۶	۱۳۳
الگوی ارتباطی اجتناب متقابل	۱۳/۶۱	۵/۸۱	۵	۳۱
تحریف‌های شناختی	۵۲/۱۶	۶/۸۱	۲۳	۸۹

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهشی را نشان می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده میانگین دلزدگی زناشویی 78.7 ± 8.91 ، الگوی ارتباطی سازنده متقابل 35.14 ± 5.54 ، الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری 69.04 ± 9.01 ، الگوی ارتباطی اجتناب متقابل 13.61 ± 5.81 و تحریف‌های شناختی 52.16 ± 6.81 است. نتایج سایر مؤلفه‌ها در جدول فوق قابل مشاهده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱. دلزدگی زناشویی	۱				
۲. الگوی ارتباطی سازنده متقابل	-0.236^{**}	۱			
۳. الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری	0.514^{**}	-0.148	۱		
۴. الگوی ارتباطی اجتناب متقابل	0.071	-0.170°	0.134	۱	
۵. تحریف‌های شناختی	0.351^{**}	-0.140	0.311^{**}	0.194°	۱

$P < 0.05$ *، $P < 0.01$ **

جدول فوق نتایج ماتریس همبستگی بین دلزدگی زناشویی با الگوهای ارتباطی و تحریف شناختی را نشان می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده، میزان همبستگی دلزدگی زناشویی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل -0.236 ($P < 0.01$)، الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری 0.514 ($P < 0.01$)، الگوی ارتباطی اجتناب متقابل 0.071 ($p > 0.05$) و تحریف‌های شناختی 0.351 ($P < 0.01$) است که به‌غیر از الگوی ارتباطی اجتناب متقابل همگی معنادار هستند. همچنین نتایج همبستگی بین الگوهای ارتباطی و تحریف‌های شناختی در جدول فوق قابل مشاهده است. به‌منظور بررسی مقدار تبیین دلزدگی زناشویی براساس الگوهای ارتباطی و تحریف‌های شناختی از رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده شد که نتایج آن به شرح ذیل است:

جدول ۳: نتایج رگرسیون هم‌زمان و ضرایب رگرسیون بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک دلزدگی زناشویی

متغیرهای پیش‌بین	Beta	B	Std. Error	t	p. value
تحریف‌های شناختی	۰/۲۱۶	۰/۹۴۹	۰/۳۳۲	۲/۸۶	۰/۰۰۵
الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری	۰/۴۳۸	۱/۳۹	۰/۲۳۷	۵/۸۶	۰/۰۰۱
الگوی ارتباطی اجتناب متقابل	۰/۰۵۵	۰/۲۸۲	۰/۳۷۷	۰/۷۴۸	۰/۴۵۵
الگوی ارتباطی سازنده متقابل	-۰/۱۴۴	-۰/۵۱۲	۰/۲۵۸	-۱/۹۸	۰/۰۴۹
	R= ۰/۵۷۶	R ² = ۰/۳۳۱	F= ۱۶/۴۷	Sig= ۰/۰۰۱	

در برآورد مقدار رگرسیون، مفروضه‌های نرمال بودن و هم خطی نبودن چندگانه با استفاده از آزمون ضریب تولرانس برقرار بود. همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشخص است، تحریف‌های شناختی، الگوی ارتباطی توقع - کناره‌گیری، الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و الگوی ارتباطی سازنده متقابل به‌صورت هم‌زمان وارد معادله رگرسیون شده‌اند و با میزان همبستگی $0/576$ توانسته‌اند $33/1$ درصد از واریانس دزدگی زناشویی را پیش‌بینی کنند و با توجه به مقدار F می‌توان گفت مدل رگرسیونی معنادار است ($F=16/47$ ، $p<0/05$). برای بررسی سهم متغیرهای پیش‌بین در معادله رگرسیون از ضرایب استاندارد استفاده شد. با توجه به آماره T متغیر الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل سهم معناداری در پیش‌بینی دزدگی زناشویی ندارد. همچنین با توجه به نتایج ضرایب بتای استاندارد و بررسی معناداری آماره T می‌توان گفت که تغییر یک واحد در تحریف‌های شناختی، الگوی ارتباطی توقع - کناره‌گیری و الگوی ارتباطی سازنده متقابل به ترتیب باعث تغییر $0/216$ ، $0/438$ و $-0/144$ - انحراف استاندارد در دزدگی زناشویی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف پیش‌بینی دزدگی زناشویی براساس تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی در معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان انجام شد. در بررسی همبستگی بین دزدگی زناشویی و تحریف‌های شناختی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین این دو متغیر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و تحریف‌های شناختی می‌توانند به‌صورت مثبت پیش‌بینی کننده دزدگی زناشویی باشند. این نتیجه به این معناست که با افزایش تحریف‌های شناختی می‌توان انتظار داشت که دزدگی زناشویی افزایش پیدا کند. این نتیجه همسو با برخی از پژوهش‌های انجام‌شده است. در پژوهشی که رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) بر روی ۱۸۰ نفر از زوج‌های متقاضی طلاق انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین تحریف‌های شناختی و دزدگی زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و تحریف‌های شناختی می‌تواند پیش‌بینی کننده دزدگی زناشویی باشد. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد زوج‌هایی که دارای تحریف‌های شناختی هستند به مراتب بیشتر دچار تعارضات زناشویی می‌شوند و با افزایش تعارضات زناشویی دچار سرخوردگی و دزدگی زناشویی می‌شوند (آیدین، ۲۰۱۵؛ عباس‌زاده ملکیان و اصغری، ۱۳۹۴). مهران، کلانتر هرمزی و فرح بخش (۱۳۹۴) نشان دادند آموزش‌های شناختی می‌توانند در کاهش هم وابستگی همسران معتادین و در نتیجه سازگاری روانی افراد و کاهش تعارضات زناشویی تاثیر گذار باشد. به طور کلی، می‌توان گفت زوج‌هایی که تحریف‌های شناختی دارند ممکن است مشکلات درون رابطه زناشویی را بیش‌ازحد بزرگ جلوه دهند، انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای داشته باشند و برچسب‌های بد و منفی به خود، همسر و رابطه زناشویی بزنند و همین امر زندگی زناشویی را با چالش و در نهایت با دزدگی مواجه کند.

در بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی و دزدگی زناشویی، نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و توقع - کناره‌گیری توان پیش‌بینی دزدگی زناشویی را دارند اما الگوی ارتباطی اجتناب متقابل نمی‌تواند به‌طور معناداری پیش‌بینی کننده دزدگی زناشویی باشد.

همسو با این نتیجه، ثناگویی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضایتمندی زناشویی بر روی ۱۲۱ زوج به این نتیجه رسیدند که بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری

وجود دارد. در بررسی همبستگی بین الگوهای ارتباطی با خوشنودی زناشویی بر روی ۲۰۰ نفر از افراد متأهل و شاغل در شهر تهران، لواف، شکری و قنبری (۱۳۹۳) به این نتیجه رسید که بین الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و خوشنودی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین پروندی، عارفی و مرادی (۱۳۹۵) در بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان نشان دادند که بیشترین میزان همبستگی بین رابطه سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی در گروه زنان بود. براساس این نتایج می‌توان گفت زوج‌هایی که باهم ارتباط خوب و سازنده‌ای دارند از رابطه خود بیشتر احساس رضایت می‌کنند و در مقابل، زوج‌هایی که رابطه خوب و سازنده‌ای با هم ندارند بیشتر از رابطه خود خسته شده و در نتیجه دچار دلزدگی زناشویی می‌شوند.

در بررسی الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری، اعتمادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند بین الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری در زنان با صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. ثناگویی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که الگوی ارتباطی توقع - کناره‌گیری می‌تواند به صورت منفی پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی باشد. همچنین محمدی و عارفی (۱۳۹۴) در پژوهش خود رابطه منفی و معنادار سبک ارتباطی توقع - کناره‌گیری با سازگاری زناشویی را تأیید کرده‌اند. این یافته‌ها به این معناست که با افزایش الگوی ارتباطی توقع - کناره‌گیری انتظار می‌رود که دلزدگی زناشویی نیز افزایش یابد.

هارتلی و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که این الگو مخصوصاً هنگامی که زن متوقع و مرد کناره‌گیر باشد احتمال طلاق در آن بیشتر می‌شود. با این حال برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رابطه معناداری بین الگوی توقع/کناره‌گیر با رضایت زناشویی (پروندی، عارفی و مرادی، ۱۳۹۵) و صمیمیت زناشویی (فرمانی، رسولی و قائدنیای جهرمی، ۱۳۹۳) وجود ندارد. وجود این نتایج مغایر باهمدیگر می‌تواند نتیجه عوامل مداخله‌کننده باشد که از کنترل محقق دور مانده‌اند. در واقع باید اذعان کرد اگرچه پژوهش‌ها به طور مکرر وجود ارتباط بین الگوی توقع/کناره‌گیری با رضایت زناشویی و یا به نوعی دلزدگی زناشویی را تأیید کرده‌اند، اما اکثر پژوهش‌ها بیانگر آن هستند که نحوه این ارتباط پیچیده بوده و ماهیت آن هنوز به طور کامل شناخته شده نیست.

در زمینه الگوی ارتباطی اجتناب متقابل نتیجه برخی از پژوهش‌ها با نتایج پژوهش حاضر همسو است. محمدی و عارفی (۱۳۹۴) در بررسی رابطه بین سبک‌های ارتباطی و سازگاری زناشویی به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی و معناداری بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل با سازگاری زناشویی وجود دارد اما این الگوی ارتباطی توانایی پیش‌بینی معنادار سازگاری زناشویی را ندارد. فرمانی، رسولی و قائدنیای جهرمی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه الگوهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی که بر روی ۱۰۰ نفر زن و مرد متأهل دانشگاه خوارزمی پرداختن. نتایج پژوهش آنان نشان داد که رابطه معناداری بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و صمیمیت زناشویی وجود ندارد.

در بررسی رابطه الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و رضایت زناشویی نتایج برخی از پژوهش‌ها مغایر با نتیجه به دست آمده در این پژوهش است. برای مثال، ثناگویی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضایتمندی زناشویی به این نتیجه رسیدند که بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل با رضایت زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد و الگوی اجتناب متقابل می‌تواند پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی زوج‌ها باشد. در تبیین این

نتایج مغایر می‌توان به عوامل مداخله‌گری چون جنسیت، سن، فرهنگ و سایر عوامل دیگر اشاره کرد که باعث می‌شود این نتایج حاصل شود. مثلاً اگر فرد شخصیت اجتنابی و کناره‌گیر داشته باشد و الگوی ارتباطی هر دو نفر اجتنابی باشد در مقایسه با زمانی که فرد شخصیت وابسته دارد مطمئناً از این نوع سبک ارتباطی کمتر اذیت خواهد شد. این پژوهش چون سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت و مشکلاتی است؛ نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای در هر مرحله می‌تواند با حدی از خطا همراه باشد که اعتبار یافته‌ها را با تهدید روبه‌رو می‌کند. از آنجایی که تنها از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده و همچنین سوگیری‌های موجود در پاسخ به پرسشنامه و عدم کنترل متغیرهایی که به‌نوعی می‌توانند نتایج را مخدوش کنند؛ باید در تعمیم نتایج احتیاط لازم را به عمل آورد. همچنین در این پژوهش با توجه به اینکه دزدگی زناشویی بر اساس متغیرهای تحریف‌شناختی و الگوهای ارتباطی پیش‌بینی شده است احتمال خطای پیش‌فرض خطی و علیت معکوس می‌تواند داده‌های پژوهش را با حدی از خطا روبه‌رو کند. به‌طور کلی، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و توقع - کناره‌گیری و همچنین تحریف‌های شناختی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی باشند. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که مسئولان سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش، مشاوران و روان‌شناسان و همچنین سایر متخصصان حوزه سلامت با آگاهی از نتایج پژوهش سعی در آموزش و مداخله بر روی الگوهای ارتباطی و تحریف‌های شناختی معلمان متأهل داشته باشند تا شاهد کاهش دزدگی زناشویی و در مقابل افزایش رضایت زناشویی آنان باشیم.

سیاسگزاری

در پایان پژوهشگر بر خود لازم می‌داند از کلیه معلمان شرکت‌کننده در پژوهش، مسئولین اداره آموزش و پرورش و مدیران مدارس شهر اصفهان و همچنین سایر اساتید و دوستانی که یاریگر ما در این پژوهش بوده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

- اعتمادی، ع.، جابری، س.، جزایری، ر.، و احمدی، ا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی زنان*، (۱)۵: ۷۴-۶۳.
- بهرامی، م.، نظری، ع.، و زهراکار، ک. (۱۳۹۳). پیش‌بینی الگوهای ارتباطی زوجها توسط سلامت معنوی و بهزیستی روان‌شناختی. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، (۳۳)۹: ۱۶-۷.
- پروندی، ع.، عارفی، م.، مرادی، ا. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی. *دوفصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره*، (۱)۲: ۵۴-۶۵.
- ثناگوی، م.، جان بزرگی، م.، و مهدویان، ع. (۱۳۹۰). رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضامندی زناشویی. *مطالعات اسلام و روانشناسی*، (۹)۵: ۵۷-۷۷.
- جلوخوانیان، م.، ف و خادمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش تحریف‌های شناختی بر میزان رضایت زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بهزیستی شهر اصفهان در سال ۱۳۹۰. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، (۲۹)۸: ۱۱۱-۸۹.
- رحمانی، م.، امینی، ن.، و سیرتی ثابت فومنی، ز. (۱۳۹۳). بررسی رابطه تحریف‌های شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با دزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، (۲)۵: ۳۹-۲۹.
- زارع پور، م.، آسوده، م. (۱۳۹۰). سلامت روان زوجین: نقش ابعاد صمیمت زناشویی و الگوهای ارتباطی. *دومین همایش ملی روانشناسی- روانشناسی خانواده*.
- زارعی، ع.، صادقی فرد، م.، عادل، م.، و طیبی، ته، م. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش زوج درمان ایس (رویکرد عقلانی-عاطفی-رفتاری) بر کاهش فرسودگی زناشویی. *مجله علوم زیستی و بیومدیکال*، (۳)۳: ۳۲۹-۳۲.

- زرنقاش، م. ، زرنقاش، م. ، زرنقاش، ن. (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباط خانوادگی و سلامت روان. *علوم اجتماعی و رفتاری*. ۸۴، ۴۰۵-۴۱۰.
- سلیمی، ه. ، نجارپوریان، س. ، محمدی، ک. ، و مهرعلیتبار فیروزجائی، ع. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس تصمیم‌گیری و حل‌مسأله، انسجام خانواده، راهبردهای مقابله، مهارت‌های ارتباطی و باورهای مذهبی (عوامل فرایندی خانواده). *فصلنامه رویش روان‌شناسی*، ۵(۱۴): ۹۳-۱۱۰.
- صفی پوریان، ش. ، قدمی، ا. ، خاکپور، م. ، سودانی، م. ، مهرآفرید، م. (۱۳۹۵). تاثیر مشاوره گروهی با زوش درمان بین فردی برکاهش دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق. *نشریه آموزش پرستاری*، ۵(۱)، ۱۳-۲۳.
- طهرانی، ا. ، حیدری، ح. ، و جعفری، ا. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی با رویکرد چندوجهی لازاروس در افزایش ابعاد سازگاری زناشویی زنان. *مجله علوم رفتاری*، ۵(۱۶)، ۸۳-۹۸.
- گوهری، ش. ، زهراکار، ک. ، نظری، ع. ، و سلیمی، ه. (۱۳۹۵). پیش‌بینی فرسودگی زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت جنسی در پرستاران زن متأهل در بیمارستان‌های منتخب خصوصی تهران. *مراقبت‌های پیشگیرانه در پرستاری و مامایی*، ۶(۳): ۷۰-۵۹.
- عباس زاده مکملانی، ح. ، و اصغری، ف. (۱۳۹۴). نقش تعریف‌های شناختی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی درگیری‌های زناشویی در یک نمونه از زوجین. *مجله هندی علوم علوم پایه و کاربردی*، ۵(۵۴): ۲۹۹-۳۰۶.
- فرمانی شهررضا، ش. ، رسولی، م. ، و قائدنیای جهرمی، ع. (۱۳۹۳). رابطه بین صمیمیت زناشویی، الگوهای ارتباطی زناشویی و همدردی - دوری‌گزینی کارکنان متأهل دانشگاه خوارزمی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۳): ۴۷۲-۴۷۷.
- لوف، ه. ، شکری، ا. ، قنبری، س. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مدل‌های ارتباطی زوجین در رابطه بین تعارض زناشویی و مشکلات درونی سازی و برونی سازی شده دختران. *روانشناسی خانواده*، ۱(۲)، ۳-۱۸.
- نریمانی، م. ، پوراسمعیلی، ا. ، میکائیلی، ن. ، حاجلو، ن. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی زوجین در رابطه بین آسیب‌های بادوام و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق. *روانشناسی خانواده*، ۲(۲)، ۵۱-۶۶.
- Affifi, T. O., MacMillan, H., Cox, B. J., Asmundson, G. J., Stein, M. B., & Sareen, J. (2009). Mental health correlates of intimate partner violence in marital relationships in a nationally representative sample of males and females. *Journal of interpersonal violence*, 24(8), 1398-1417.
- Aydın, G., Özdiñç, N. K., & Aksu, M. (2015). The relationship between cognitive distortions and forgiveness in romantic relationships. *Journal of Human Sciences*, 12(1), 1338-1349.
- Beck, A. T. (2008). The evolution of the cognitive model of depression and its neurobiological correlates. *American Journal of Psychiatry*, 165(8), 969-977.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital conflict. *Journal of rational-emotive and cognitive-behavior therapy*, 23(3), 245-261.
- Hartley, S. L., Barker, E. T., Seltzer, M. M., Floyd, F., Greenberg, J., Orsmond, G., & Bolt, D. (2010). The relative risk and timing of divorce in families of children with an autism spectrum disorder. *Journal of Family Psychology*, 24(4), 449.
- Karahan. T. F. (2007). The Effects of a Couple Communication program on Conflict Tendency among Married passive Couples. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 7(2): 845-858.
- Lingren. H. G. (2003). Marriage burnout. (Cited April 17 2003). Available from: <http://utahmarriage.org>.
- Ledbetter, M. A. (2009). Family communication patterns and relational maintenance behavior: Direct and mediated association with friendship closeness. *Human Communication Research*. 35(1): 130-147.
- Manning, W. D., & Cohen, J. A. (2012). Premarital cohabitation and marital dissolution: An examination of recent marriages. *Journal of Marriage and Family*, 74(2), 377-387.
- Möller, A. T., Rabe, H. M., & Nortje, C. (2001). Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and non-distressed married individuals. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 19(4), 259-270.
- Pamuk, M., & Durmuş, E. (2015). Investigation of burnout in marriage. *Journal of Human Sciences*, 12(1), 162-177.
- Pines, A. (2013). *Couple burnout: Causes and cures*. Routledge
- Trenholm, S., & Jensen, A. (2008). *Interpersonal communication* (pp. 10-12). New York: Oxford University Press.
- Trudel, G., & Goldfarb, M. R. (2010). Marital and sexual functioning and dysfunctioning, depression and anxiety. *Sexologies*, 19(3), 137-142.
- Uebelacker, L. A., & Whisman, M. A. (2005). Relationship beliefs, attributions, and partner behaviors among depressed married women. *Cognitive Therapy and Research*, 29(2), 143-154.
- Yalcin, M. B., & Karahan, F. (2009). The effect of couple communication program on passive conflict tendency among married couples. *Department of Educational Sciences*. 10, 845-858.